

الگوی انقلابی در هندسه فکری امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری

سیروس حاجی زاده^۱

چکیده

فراوانی کاربرد واژگانی نظیر انقلابی‌گری، داشتن روحیه انقلابی، انقلابی بودن، انقلابی زیستن و انقلابی ماندن در نظر گاه رهبر معظم انقلاب اسلامی در وهله اول حاکی از اهمیت آنها بوده و از سویی دیگر نشان دهنده اولویت گذاری بر مبنای سلبی و ایجابی است؛ در واقع گفتمان انقلابی در راستای حفظ، تقویت و مانایی آن تلاش می‌کند و گفتمان دیگر مقابل انقلاب هم برای استحاله کردن و منهدم‌سازی آن برنامه‌ریزی می‌نماید.

فراگیر و همگانی کردن روحیه انقلابی‌گری مستلزم وجود یک فرهنگ منطقی، معقول و نظام‌مند است که ابعاد اندیشه‌ای، بیانی و رفتاری را در برگیرد. از این رو، تعاریفی که در منظومه فکری بنیانگذار انقلاب اسلامی و مقام معظم رهبری از انقلابی‌گری و ارکان آن وجود دارد، تعاریف جامعی است که تنها به صرف بیان و توصیف بسنده نمی‌کند بلکه عمل‌گرایی همراه با آرمان‌گرایی را مدنظر دارد و حتی تلاش می‌کند در چهارمین دهه از عمر انقلاب به شکل دهی نهادها و ساختارهایی با بینش انقلابی از جنس دهه اول انقلاب

۱. دانشجوی دوره دکتری مطالعات بین‌الملل دانشگاه جامع امام حسین (ع)



همانند شکل دهی قرارگاهی برای ساماندهی امور اقتصادی و اجرای «اقتصاد مقاومتی» نیز پردازد؛ بدیهی است هنوز انقلاب و گفتمان انقلاب اسلامی را دارای ظرفیت و استعداد برای پاسخ‌دهی به مشکلات و معضلات عصر معاصر می‌داند. این امر مستلزم وجود رویکرد آینده‌نگرانه در هندسه فکری امام و رهبری، مسئله‌شناسی انقلابی‌گری، فرصت‌سازی برای پیاده کردن آن و فهم و ادراک آفت‌های غفلت از آن برای ما و نسل آینده است. تحقیقاً یکی از دلایل تأکید مکرر مقام معظم رهبری بر این واژه‌ها و تعمد ایشان در تبیین ابعاد موضوع انقلابی‌گری، به همین مسئله و کمک به فهم درست و منطقی طیف مؤمن به انقلاب و حتی طیف خاکستری برمی‌گردد. با این نگاه، انقلاب از منظر امام (ره) و رهبری تنها پدیده‌ای تاریخی نیست، بلکه موجودی زنده، خلاق، پیشرونده و تحول‌گراست که باید هر آن در اندیشه، بیان و رفتار جمعیت انقلابی و جبهه مؤمن به انقلاب زنده و فعال نگه داشته شود.

مقدمه

اگرچه سابقه بیان واژه انقلابی‌گری و شاخص‌های آن در سخنرانی‌های مقام معظم رهبری به اواخر سال ۱۳۶۸ برمی‌گردد، اما در سخنرانی یک سال اخیر ایشان، بسامد کلیدواژه‌هایی با بن‌مایه و مضمون «انقلاب» و «انقلابی» افزایش یافته است. منظومه‌ای از مفاهیمی همچون «جوان مؤمن انقلابی»،^۱ «تفکر انقلابی»،^۲ «تربیت انقلابی»، «کار انقلابی»،^۳ «انقلابی فکر کردن»، «انقلابی عمل کردن»،^۴ «انقلابی ماندن»، «انقلابی‌گری»،^۵ «هندسه انقلاب اسلامی»، «خطوط اساسی و اصول انقلاب اسلامی»،^۶ «تجربه متراکم انقلاب»، «نیروهای انقلابی»،^۷ «مهد انقلاب»، «انقلاب‌زدایی»،^۸ «جریان غیرانقلابی»،^۹ «هویت انقلابی»،^{۱۰} و مانند آن، در سال جاری به محور اصلی سخنرانی‌ها، نوشته‌ها و پیام‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی بدل شده است.

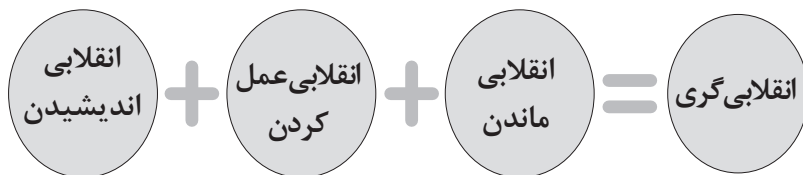
۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۳/۳، ۱۳۹۵/۱/۱، ۱۳۹۴/۱۲/۲۸، ۱۳۹۴/۱۰/۳۰ و ۱۳۹۴/۱۰/۱۹.
۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۱۰/۱۹ و ۱۳۹۴/۱۲/۲۵.
۳. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۲/۱.
۴. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۱۲/۲۰.
۵. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۱۲/۲۵.
۶. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۱۱/۱۴.
۷. بیانات مقام معظم رهبری، ۳ خرداد ۱۳۹۵.
۸. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۱۲/۲۵.
۹. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۱۱/۱۴ و ۱۳۹۵/۱۲/۲۵.
۱۰. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۲/۱۳ و ۱۳۹۵/۳/۱۴.

انقلاب اسلامی، همچنان که در مرحله نهضت، نیاز به روحیه و انگیزه انقلابی در عرصه اصول، اهداف و روش داشت، جمهوری اسلامی نیز به عنوان فرزند انقلاب برای دوام و بقای خود و دستیابی به اهداف والای انقلاب به فکر و نیروی انقلابی نیازمند است

اوج تبیین این موضوع در کلام رهبری رامی توان در سخنرانی ۱۴ خرداد ۱۳۹۵ ایشان مشاهده کرد. هدف متن پیش رو بازاندیشی پیرامون چیستی و چرایی این خط جدید معرفتی است. در یک نگاه مطالعاتی به بیانات مقام معظم رهبری در مسئله انقلابی گری ابعاد، شاخص ها و گزاره های مشخص و معینی در این ارتباط قابل مشاهده است که در تجزیه و تحلیل مفهوم و فلسفه انقلابی گری نقش عمده ای را برای

جامعه مخاطب در شناخت، تبیین و بکارگیری این آموزه ها دارد.

انقلابی گری در شرایط کنونی کشور و موقعیت انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی، بهترین ملاک و معیار برای دسته بندی کردن جریان ها، احزاب، گروه ها و شخصیت های سیاسی است. انقلابی گری در این نوشتار، یعنی انقلابی بودن، انقلابی ماندن و انقلابی عمل کردن که الگوی کامل آن در ایران، حضرت امام خمینی (ره) است. انقلابی گری با شاخص مدنظر حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری، نقشه راهی است که می تواند ضامن کارآمدی، استحکام و اقتدار ملی باشد.



اهمیت و ضرورت طرح موضوع انقلابی گری

طرح موضوع انقلابی گری و شفاف سازی شاخصه ها و ویژگی های آن از چند جهت ضرورت دارد:

۱. انقلاب اسلامی، همچنان که در مرحله نهضت، نیاز به روحیه و انگیزه انقلابی در عرصه اصول، اهداف و روش داشت، جمهوری اسلامی نیز به عنوان فرزند انقلاب برای دوام و بقای خود و دستیابی به اهداف والای انقلاب به فکر و نیروی انقلابی نیازمند است. به عبارتی حفظ انقلاب اسلامی و نظام اسلامی در گرو شناخت، حفظ و تقویت و توسعه انقلابی گری است. مسئله ای که در دیدگاه امام راحل و مقام معظم رهبری، حفظ انقلاب





اسلامی و جمهوری اسلامی یک واجب عینی است.^۱

۲. ظهور و بروز برداشت‌های مختلف و بعضاً متضاد، از واژه انقلابی و انقلابی‌گری در مسیر خلاف گفتمان امام و انقلاب در میان نخبگان سیاسی و دانشگاهی و برخی انقلابیون در دو دهه اخیر، تبیین و ارایه تعریف منطبق با گفتمان امام و رهبری در شرایط فعلی را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر کرده است. دشواری تمیز خط و مرز انقلابی‌گری و برداشت‌های مختلف و بعضاً متناقض ارایه شده از سوی انقلابیون می‌طلبد تا معیار و ملاک تعریف درست و منطبق با گفتمان امام و رهبری از این واژه ارایه گردد.

۳. انحراف در تعریف و تفسیر صحیح انقلابی و انقلابی‌گری، فارغ از جناح و جریان‌های موجود، آثار و پیامدهایی خواهد داشت که بقا و تداوم انقلاب اسلامی و گفتمان انقلابی را مورد تهدید جدی قرار خواهد داد و جامعه را به ورطه سقوط و انحطاط محتوایی و گفتمانی و سرانجام ساختاری خواهد برد.

۴. طراحی جنگ نرم همه‌جانبه دشمن برای القا و تحمیل نسخه بدلی انقلاب اسلامی با استحاله هویت انقلابی و روحیه انقلابی‌گری در جامعه اسلامی که چند نسل بعد از انقلاب را شاهد است که شانس حضور در صحنه‌های انقلابی را نداشته، ضرورت و اهمیت توجه و تبیین موضوع انقلابی‌گری را مضاعف کرده است.

معناشناسی مفهوم انقلابی‌گری

برای روشن شدن مفهوم انقلابی‌گری لازم است ابتدا مفهوم انقلاب و اکاوی شود و سپس با توجه به زمینه‌های طرح انقلابی‌گری پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نسبت آن را با مفهوم انقلابی‌گری مشخص نماییم. از لحاظ اصطلاحی برای واژه انقلاب ده‌ها تعریف ذکر شده است که انقلاب‌ها را در همه ابعاد (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و...) تعریف نموده‌اند. با توجه به تعاریف مختلفی که از انقلاب وجود دارد به نظر می‌رسد رسیدن به مفهوم واحد و مشترک از این پدیده مشکل است. در همین راستا با تقسیم همه تعاریف به دو بخش تعریف حداقل‌گرا و حداکثر‌گرا از انقلاب می‌توان زمینه ایجاد

۱. «باید ما برای ادامه این فریضه الهی، برای ادامه این انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی کوشش کنیم و کوششمان را افزون کنیم؛ برای اینکه آنها، مخالفین ما، مخالفین اسلام کوشششان را هر روز افزون می‌کنند.» (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۳) و مقام معظم رهبری در تفسیری روشن نظام اسلامی را همان تجسم انقلاب اسلامی می‌دانند: «حفظ موجودیت انقلاب کار اول ماست که در استمرار نظام جمهوری اسلامی تجسم یافته است. به همین خاطر، امام (ره) مکرر می‌فرمودند: حفظ نظام اسلامی، واجب‌ترین فریضه است. انقلاب از نظام جمهوری اسلامی جدا نیست، نباید کسی خیال کند که این دوازدهم جدا هستند. تجسم انقلاب، نظام جمهوری اسلامی است.» (حدیث ولایت، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۴۷).

یک افق مفهومی مشترک از انقلاب را پدید آورد. در تعریف حداقل گرا، هر نوع تغییر و تحول سیاسی-اجتماعی حاکم بر جامعه را بدون توجه به نوع و جهت تغییر و یا تغییر ارزش‌های جامعه به عنوان انقلاب تلقی می‌کنند، چه منجر به نتیجه بشود یا نشود. اما طبق تعریف حداکثرگرا، انقلاب یعنی: دگرگونی در همه ارزش‌ها و نهادهای مسلط که از آن به عنوان انقلاب کبیر نیز یاد می‌کنند. بنابراین در تعریف جامع از انقلاب، انقلاب حرکتی مردمی است در جهت تغییر سریع و بنیانی ارزش‌ها و باورهای مسلط، نهادهای سیاسی، ساختارهای اجتماعی، رهبری، روش‌ها و فعالیت‌های حکومتی یک جامعه که توأم با خشونت داخلی نیز باشد.^۱

طبق این تعریف انقلاب از ویژگی‌های مشخصی مانند: جهان‌بینی و ایدئولوژی انقلابی، روحیه انقلابی،^۲ رهبری و ساختارهای جهادمحور و بسیج‌گرا،^۳ رویکرد تغییر زیربنایی در ساختارهای رسمی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بر خوردار است که آن را از سایر تحولات و خشونت‌های سیاسی مدنی متمایز می‌کند. مقام معظم رهبری نیز «انقلاب را یک دگرگونی بنیادی می‌دانند که پایه‌های غلط برچیده و پایه‌های درست به جای آن گذاشته می‌شود.»^۴

اما تعریف انقلابی و انقلابی بودن چیست؟ انقلابی به شخص یا نهادی اطلاق می‌شود که ضمن حفظ و پایبندی به اصول، اهداف و آرمان‌های دارای اندیشه، عمل و روحیه تحول‌خواهانه، پیش‌برنده و پیش‌رونده برای نیل به حیات طیبه را نیز حفظ می‌کند.

پنج شاخص انقلابی گری، انقلابی بودن و انقلابی ماندن از نگاه رهبر انقلاب^۵

۱. پایبندی به مبانی و ارزش‌های اساسی اسلام و انقلاب؛

بنده در سال گذشته در همین جلسه راجع به مبانی امام صحبت

۱. منوچهر محمدی، *تحلیلی بر انقلاب اسلامی*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵، ص ۳۰.

۲. روحیه انقلابی یک پدیده روان‌شناختی و مرحله‌ای بالاتر از نارضایتی از وضع موجود است و منظور از آن روحیه طرقداری از عمل و اقدام علیه نظام حاکم است که با چنین روحیه‌ای، فرد دارای اعتماد به نفس قوی است و در مقابل اقدامات اصلاحی یا سرکوبگرانه حکومت ایستادگی می‌کند. قوت و اقتدار روحیه انقلابی نیز به عوامل مختلفی مانند ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی، نوع ایدئولوژی انقلابی، مجموعه ویژگی‌ها و اقدامات پیشین حکومت و غیره بستگی دارد.

۳. هر چند ممکن است تفاوت‌های آشکاری بین انقلاب‌ها در نوع رهبری وجود داشته باشد، اما همه انقلاب‌ها رهبران خاص خود را داشته‌اند. نقش رهبری، تحریک نارضایتی از وضع موجود، برانگیختن روحیه انقلابی، بیان و گسترش اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های جدید جایگزین، تنظیم و برنامه‌ریزی راهبردها و تاکتیک‌های حرکت انقلابی، بسیج و به صحنه آوردن توده‌ها، ایجاد نظام سیاسی جدید و تلاش در جهت رساندن جامعه به اهداف و شعارهای انقلاب پس از پیروزی است.

۴. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۱۲/۹.

۵. بیانات رهبر انقلاب در حرم امام خمینی، ۱۳۹۵/۳/۱۴.



کردم. مبانی اساسی ما آنهاست... اگر این پایبندی وجود داشت، حرکت، حرکت مستمر و مستقیم خواهد بود. در تندباد حوادث این حرکت تغییر پیدا نمی‌کند... نقطه مقابل این پایبندی عمل‌گرایی افراطی است. یعنی هر روزی به یک طرف رفتن، هر حادثه‌ای انسان را به یک طرف کشاندن.

۲. هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آنها؛

بعضی سعی می‌کنند جامعه و جوان‌های ما را دچار ناامیدی کنند. بگویند آقا فایده ندارد! نمی‌شود! نمی‌رسیم!... شاخص دوم این است که هرگز منصرف نشویم از رسیدن به آن اهداف بلند و آرمان‌های بلند. تسلیم نشویم در مقابل فشارها.

۳. پایبندی به استقلال کشور؛

استقلال سیاسی معنایش این است که ما در زمینه سیاسی فریب [دشمن را] نخوریم... استقلال فرهنگی که از همه مهم‌تر است در این است که سبک زندگی را سبک زندگی اسلامی ایرانی انتخاب نکنیم... استقلال اقتصادی هضم نشدن در هاضمه اقتصاد جامعه جهانی است.

۴. حساسیت در برابر دشمن و نقشه دشمن و عدم تبعیت از آن؛

باید دشمن را شناخت، نقشه او را فهمید، از تبعیت دشمن سر باز زد؛ این شاخص چهارم، این عدم تبعیت را قرآن، جهاد کبیر نام نهاده است.

۵. تقوای دینی و سیاسی؛

اینکه ما عرض کردیم که باید به آرمان‌ها پایبند بود، اسلام اینها را از ما خواسته است. یک تکلیف دینی است و رعایت آن تقوای دینی است. تقوای سیاسی هم همراه همین است؛ تقوای سیاسی یعنی انسان از لغزشگاه‌هایی که دشمن می‌تواند از آن استفاده بکند پرهیز بکند.

در همین روند مقام معظم رهبری خصوصیات نسل انقلابی را دارا بودن ویژگی‌هایی چون شجاع بودن، خودباوری، جدی در راه هدف، باسواد، غیور، دارای حرکت، متدین، دارای عقل و خردمند، دارای ابتکار، دارای انگیزه کافی برای حرکت، پیشگام و دارای توان جسمی و فکری برای حرکت^۱ می‌شمارند. تبیین نقشه راه برای نسل انقلابی در شرایطی است که مقام معظم رهبری سه خصوصیت انقلابی از حضرت امام (ره) را به عنوان چراغ راهنما برمی‌شمارند که عبارت‌اند از: ۱. مؤمن بودن (ایمان به خدا، ایمان به

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۵/۷/۲۸.

حفظ انقلاب اسلامی و نظام اسلامی در گرو شناخت، حفظ و تقویت و توسعه انقلابی گری است. مسئله‌ای که در دیدگاه امام راحل و مقام معظم رهبری، حفظ انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی یک واجب عینی است

هدف، ایمان به راه و ایمان به مردم)، ۲. متعبد بودن و ۳. داشتن نگاه انقلابی است. در پرتو این امر رهبر انقلاب عامل جلوگیری از دست‌اندازی نظام سلطه به کشور را در مؤلفه‌هایی چون تدین و دین‌داری، بصیرت و آگاهی، انقلابی‌گری و اقتدار ملت ایران عنوان می‌کند.

نگرش‌ها نسبت به گفتمان انقلابی

دو نوع نگرش نسبت به تعریف انقلابی بودن در میان انقلابیون وجود دارد، تعریفی که نگاه به گذشته دارد و تعریفی که نگاه روندی و فرآیندی دارد:

۱. **انقلابی بودن معطوف به گذشته‌نگری:** طبق این دیدگاه انقلابی کسی است که در دوران قبل از انقلاب نقش داشته و روحیه انقلابی را در یک دوره محدود زمانی با خود داشته است که با پیروزی انقلاب، دیگر مفهوم انقلابی بر آن حمل نمی‌شود. به بیانی دیگر و با تعریف مضیقی که از انقلابی بودن ارایه می‌شود، بعضی معتقدند بعد از پیروزی انقلاب روحیه انقلابی بودن نیز پایان می‌یابد.

۲. **انقلابی بودن به مفهوم فرآیند و روند:** بعضی انقلابی بودن را محدود به گذشته نمی‌دانند و آن را به حال و آینده تسری می‌بخشند. انقلابی پس از عبور از وضع گذشته و ایجاد ساختارهای مبتنی بر اندیشه و عقلانیت، روحیه انقلابی، آرمان‌ها و اصول انقلاب را حفظ می‌کند و به آن حالت پیشروندگی (توسعه و عمق‌بخشی) می‌دهد.

به عبارت دیگر در این نگاه تعریفی موسع از انقلابی بودن ارایه می‌شود که ویژگی فرآیندی دارد و در این فرآیند مراحل باید طی شود که مرحله اول آن سرنگونی طاغوت (انقلاب)، مرحله دوم ایجاد ساختار (تشکیل نظام)، مرحله سوم تشکیل دولت اسلامی، مرحله چهارم (شکل‌دهی جامعه و کشور اسلامی) و مرحله پنجم ایجاد تمدن اسلامی و تشکیل دنیای اسلامی (در گستره جهانی) است. بنابراین انقلابی بودن، یعنی این که باید از ابتدایی‌ترین مرحله تا مرحله پایانی با فکر و گفتمان انقلابی، افراد و اشخاص انقلابی و مجموعه و نهادهای انقلابی همراه بود.





مرحله اول انقلاب اسلامی (حرکت اول)	<p>مرتبّه</p> <p>مفهوم و هدف</p> <p>نحوه و میزان تحقق</p>	<p>- انقلاب اسلامی حلقه اول است. - قدم اول... ایجاد انقلاب اسلامی است.</p> <p>- منظور از انقلاب اسلامی، حرکت انقلابی است؛ و الا به یک معنا انقلاب اسلامی شامل همه این مراحل می شود. - اینجا منظور ما از انقلاب اسلامی، یعنی همان حرکت انقلابی و جنبش انقلابی که اولاً نظام مرتجع را، نظام قدیمی را نظام وابسته و فاسد را سرنگون و زمینه را برای نظام جدید آماده می کند.</p> <p>- در درجه اول ما یک حرکت انقلابی لازم داشتیم؛ برای اینکه بنای ضایع و پوسیده و کج و بدبنیان رژیم استبدادی را از بین ببریم. - ایجاد انقلاب اسلامی کار آسانی نبود؛ لیکن این آسان ترین است. - این کار را ملت با تمام قدرت و با موفقیت کامل انجام داد.</p>
مرحله دوم نظام اسلامی (جمهوری اسلامی)	<p>مرتبّه</p> <p>مفهوم و هدف</p> <p>نحوه و میزان تحقق</p>	<p>- انقلاب که تحقق پیدا کرد، بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است. (۷۹/۹/۱۲) - حرکت بعدی این بود که یک نظام اسلامی... در این کشور به وجود بیاورد.</p> <p>- نظام اسلامی یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن. مثل اینکه وقتی در کشور ما نظام سلطنتی استبدادی فردی موروثی اشرافی وابسته برداشته شد، به جای آن، نظام دینی تقوایی مردمی گزینشی جایگزین می شود؛ با همین شکل کلی که قانون اساسی برایش معین کرده، تحقق پیدا می کند؛ یعنی نظام اسلامی (۷۹/۹/۱۲). - نظام اسلامی یعنی آن هویت کلی که تعریف مشخصی دارد، که کشور، ملت و صاحبان انقلاب - که مردم هستند - آن را انتخاب می کنند. در مورد ما، مردم ما انتخاب کردند؛ جمهوری اسلامی، جمهوری اسلامی یعنی نظامی که در آن مردم سالاری از اسلام گرفته شده است و با ارزش های اسلامی همراه است. - نظام اسلامی یعنی ترتیب اداره کشور، همان طوری که اسلام گفته است (۸۴/۵/۲۸). نظام اسلامی یعنی هندسه عمومی جامعه اسلامی (۸۰/۹/۲۱). نظام اسلامی یعنی چه؟ یعنی منبع تقنین و معیار و ملاک اجرا و ارکان تصمیم گیری در کشور (۸۴/۸/۶).</p>
	<p>نحوه و میزان تحقق</p>	<p>- این کار را هم ملت ما با موفقیت انجام داد. - نظام اسلامی پس از انقلاب اسلامی تشکیل شد. شورش انقلاب و نهضت انقلابی می توانست انجام بگیرد، اما نظام غیر اسلامی تشکیل شود، خیلی جاها این طور شده؛ در الجزایر این طور بود (۸۴/۶/۸). - قانون اساسی تنظیم شد؛ - آرایش و چینش سیاسی به وجود آمد؛ - مردم سالاری دینی بر این مملکت حاکم شد و مردم مسئولان کشور را... از رهبری گرفته تا ریاست جمهوری تا دیگر مسئولان، مستقیم یا غیر مستقیم انتخاب می کنند. - دین مایه و پایه و محور قانون و اجرا در این کشور است. - حرکت مردم به سمت اهداف و آرمان های دینی است. - ارکان حکومت قوه مجریه، مقننه، رهبری، قوه قضاییه و دیگر ارکان چیده شد، و قانون اساسی آمد همه اینها را تثبیت کرد؛ لذا پایه گذاری اصولی انجام گرفت (۸۴/۶/۸). این تحقق پیدا کرد؛ لکن کافی نیست (۸۴/۵/۲۸).</p>

<p>مر تبه</p> <p>- بعد از آنکه نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد.</p> <p>- تشکیل دولت اسلامی مرحله سوم است (۸۰/۹/۲۱).</p> <p>- ما الان در این مرحله قرار گرفته‌ایم (۸۰/۹/۲۱).</p> <p>- ما امروز در مرحله دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم.</p>	
<p>نسبت با مراحل قبل</p> <p>- این مشکل تر از مرحله قبل است.</p> <p>- به تدریج و با تلاش باید به وجود آید (۸۰/۹/۲۱).</p>	
<p>میزان و نحوه تحقق</p> <p>- از همان اوان کار تلاش برای تشکیل دولت اسلامی شروع شد.</p> <p>- تلاش و اقدام برای دولت اسلامی از روز اول شروع شد، منتها افت و خیز داشته است؛ پیشرفت و عقب‌گرد داشته؛ در جاهایی موفق بودیم در برهه‌هایی موفق نبودیم؛ بعضی از ما وسط راه پایمان لغزید؛ بعضی از ماها در اصل هدف مردد شدیم، بعضی از ماها نتوانستیم خود را نگه داریم؛ دل بسته به رفتارهای طاغوتی شدیم.</p> <p>- نمی‌توانیم ادعا کنیم که ما یک دولت اسلامی هستیم؛ ما کم داریم؛ ما باید خودمان را بسازیم و پیش ببریم.</p> <p>- ما هنوز به کشور اسلامی نرسیده‌ایم، هیچ کس نمی‌تواند اذعان کند که کشور ما اسلامی است.</p> <p>- ما یک نظام اسلامی را طراحی و پایه‌گذاری کردیم... «ما»، یعنی همان‌هایی که آنجا دادند، و الان یک نظام اسلامی داریم که اصولش هم مشخص و مبنای حکومت در آنجا معلوم است.</p> <p>- امروز دولت ما... سهم خوبی از حقایق اسلامی و ارزش‌های اسلامی را دارد؛ اما کافی نیست.</p>	
<p>نصاب و نمونه کامل</p> <p>- البته دولت اسلامی به معنای واقعی کلمه، در زمان انسان کامل تشکیل خواهد شد؛ انشاءالله... ما به قدر توان و تلاش خود می‌خواهیم مجموعه کارگزاران حکومت را - که خودمان هم جزو آنها هستیم - به نقطه‌ای برسانیم که با نصاب جمهوری اسلامی ایران تطبیق کند (۸۴/۶/۸).</p>	





مرحله چهارم - جامعه کشور اسلامی (آرمان‌های محقق شده)	<p>هدف (ثابت)</p> <p>مسئولیت و تعهد این دولت این است که جامعه اسلامی را تحقق ببخشد (به عنوان هدف اصلی و میانه)</p>	<p>ساز و کار (متغیر)</p>
	<p>دولت اسلامی یعنی ساز و کارها و نهادهای لازم برای ایجاد آن جامعه اسلامی</p> <p>- اینها چرا ممکن است کهنه شود ساز و کارها، چینش این نهادهایی که می‌خواهد ما را به آن آرمان‌ها برساند قابل نو شدن است.</p> <p>- ممکن است اقتضات در دنیا جوری بشود که این ساز و کار، این هندسه نظام، کامل نباشد، مطلوب نباشد، لازم باشد عوض شود.</p> <p>- نو شدن به معنای این است که اقتضات بیرونی گاهی یک چیزی را اقتضای کند روز دیگر چیزی دیگر را اقتضا می‌کند.</p> <p>- یک نمونه عملی و عینی‌اش همین سیاست‌های اصل ۴۴ در باب اقتصاد است که اگر شرایط جوری شود که این تنظیم و این ترتیب به شکوفایی و پیشرفت اقتصاد کمک نمی‌کند، می‌توان تغییر پیدا کند؛ و تغییر پیدا کرد. این همان جا به جا کردن خطوط هندسی نظام است.</p> <p>- امروز نظام ما نظام ریاستی است... اگر یک روزی در آینده‌های دور یا نزدیک... احساس بشود که به جای نظام ریاستی، مثلاً نظام پارلمانی مطلوب است... هیچ اشکالی ندارد... و از این قبیل. مثلاً فرض بفرمایید... احساس بشود که مردم سالاری یا عدالت، به این شکل بهتر تحقق پیدا می‌کند.</p> <p>- سیاست‌ها هم همینطور... یک روزی یک سیاست اقتصادی در کشور حاکم باشد، یک روز دیگر به اقتضای نیازها، سیاستی دیگر.</p>	<p>مفهوم</p> <p>یعنی جامعه‌ای که در آن، آرمان‌های اسلامی، اهداف اسلامی، آرزوهایی بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است محقق شود.</p> <p>جامعه اسلامی یعنی چه؟</p> <p>- جامعه‌ای عادل، برخوردار از عدالت، جامعه آزاد، جامعه‌ای که مردم در اداره و پیشرفت آن نقش دارند، دارای تأثیرند، جامعه‌ای دارای عزت ملی و استغنائی ملی، جامعه‌ای برخوردار از رفاه و مبرای از فقر و گرسنگی، جامعه‌ای دارای پیشرفت‌های همه‌جانبه، جامعه‌ای بدون سکون، رکود و توقف و در حال پیشروی دائم؛ فقر به تدریج ریشه‌کن می‌شود؛ عزت حقیقی برای مردم به وجود می‌آید؛ جایگاهش در روابط بین‌الملل ارتقا می‌یابد. کشوری که اسلام حیات‌بخش، اسلام نشاط‌آور، اسلام تحریک‌آفرین، اسلام بدون کج‌اندیشی و تحجر و انحراف، اسلام بدون التقاط، اسلام شجاعت‌بخش به انسان‌ها، اسلام هدایت‌کننده انسان‌ها به سوی کسب علم و دانش بر آن حاکم است. اسلامی که به همان شکلی که در قرن اول اسلامی به آن عمل شد، توانست یک مجموعه‌ای پراکنده را به اوج تمدن تاریخی و جهانی برساند و تمدن و دانش او بر دنیا سیطره پیدا کند. سیطره و تسلط علمی به دنبال خود عزت سیاسی هم می‌آورد، رفاه اقتصادی هم می‌آورد، فضایل اخلاقی هم می‌آورد (۸۴/۵/۲۸).</p>

البته همین تغییر باید متکی به اصول باشد. همین نگاه دوباره به نوسازی و بازسازی هم بایستی ناظر به اصولی باشد، برگرفته و برگرفته از اصول اسلامی باشد.

هدف	<p>- مهم‌ترین مسئولیت این جامعه این است که انسان‌ها بتوانند در سایه‌سار چنین اجتماعی، چنین حکومتی، چنین فضایی به کمال معنوی و کمال الهی برسند. - از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلامی درست کرد. الگو که درست شد نظایرش در دنیا به وجود می‌آید (۷۹/۹/۱۲). - وقتی کشور اسلامی پدید آمد، تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد. - مرحله بعدی ایجاد دنیای اسلام است.</p>
میزان و نحوه تحقق	<p>- این آن جامعه‌ای است که ما دنبالش هستیم، البته این جشامعه تحقق پیدا نکرده، ولی ما دنبال این هستیم که این جامعه تحقق پیدا کند. - اگر توانستیم این مرحله را به سلامت طی کنیم - که از همت مردان و زنان مؤمن، این چیزها اصلاً بعید نیست.</p>

مرحله پنجم امت اسلامی	مفهوم	- فرهنگ اسلامی فضای عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت.
	مسئولیت	<p>- فرآیند تحقق نظام اسلامی همین طور قدم به قدم به نتایج نهایی خود نزدیک می‌شود، نمی‌شود توقع داشت که من و شما خود را اصلاح نکنیم، اما دنیا را اصلاح کرده باشیم، یا کشور، اسلامی شود؛ نه، ما باید به خود بپردازیم. پس یکی از چیزهایی که ما لازم داریم، استقامت و پایداری است، یعنی مسیر و جهت گیری را گم نکنیم و مرتب خطاها را اصلاح کنیم و از اینکه به ما بگویند خطا کرده‌اید بدمان نیاید (۸۰/۹/۲۱). - امت اسلامی هم اگر با تقوا بود، می‌تواند در راه‌های دشوار حرکت کند؛ مشکلات در مقابل او زانو می‌زنند، او در مقابل مشکلات زانو نمی‌زند (۸۴/۸/۲۵).</p>

انقلابی‌گری در کلام امام خمینی (ره)

بنیانگذار انقلاب یا به تعبیر مقام معظم رهبری آن «مؤمن متعبد انقلابی» نیز بارها درباره انقلابی بودن سخن گفته‌اند و می‌توان شاخص‌هایی را از کلام ایشان استخراج کرد. چه آنکه بعد از انقلاب، داشتن شخصیت انقلابی و انقلابی بودن در ببحوجه مبارزات انقلابی، امری بدیهی برای رسیدن به هدف بود اما در همان سال‌های ابتدایی انقلاب، هرج و مرج‌های یکسری از گروه‌های تندرو، این بیانات امام (ره) را در پی داشت:

شما خیال نکنید که حالایی که انقلاب شده پس ما هر کاری دلمان می‌خواهد بکنیم. ضد انقلابی‌ها جزء شماها می‌شوند، شما هم نمی‌شناسید آنها را، تحریک هم می‌کنند، می‌ریزید می‌شکنید و یک مملکت را اینطوری نمایش می‌دهید که اینجا هرج و مرج است، یک مملکت هرج و مرجی است... آداب اسلامی این است که هر کسی موظف



ظهور و بروز برداشت‌های مختلف و بعضاً متضاد، از واژه انقلابی و انقلابی‌گری در مسیر خلاف گفتمان امام و انقلاب در میان نخبگان سیاسی و دانشگاهی و برخی انقلابیون در دو دهه اخیر، تبیین و ارایه تعریف منطبق با گفتمان امام و رهبری در شرایط فعلی را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر کرده است

بداند خودش را به این که حفظ حدود و ثغور را بکند، نه این که هر کس هر کاری، هر کمیت‌های دلش می‌خواهد هر کاری بکند، از او بپرسند چرا، می‌گوید انقلاب است. هر پاسداری هر کاری دلش می‌خواهد بکند از او بپرسند، می‌گوید این انقلاب است. هر جوانی هر کاری می‌خواهد بکند، بگوید انقلاب است، معنایش این است که اصلاً انقلاب آن هم انقلاب اسلامی هرج و مرج است، انقلاب اسلامی حکومت جنگل است. این غلط است باید موازین داشته باشد.^۱

یکی دیگر از مؤلفه‌های انقلابی‌گری از دیدگاه امام (ره) را می‌توان ساده‌زیستی و نفی اشرافیت دانست؛ ایشان

در پیامی به مناسبت گشایش دومین دوره مجلس شورای اسلامی تأکید کردند:

اگر بخواهید بی‌خوف و هراس در مقابل باطل بایستید و از حق دفاع کنید و ابرقدرتان و سلاح‌های پیشرفته آنان و شیاطین و توطئه‌های آنان در روح شما اثر نگذارد و شما را از میدان به در نکند خود را به ساده‌زیستن عادت دهید و از تعلق قلب به مال و منال و جاه و مقام بپرهیزید...^۲

اما یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های یک فرد انقلابی را می‌توان داشتن روحیه استقلال‌طلبی و نداشتن وابستگی به قدرت‌های خارجی دانست. موضوعی که در مصاحبه امام با خبرگزاری رویترز در سال ۵۷ در نوفل‌لوشاتو به خوبی مشهود است که ایشان می‌فرمایند: «... شاه استقلال سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی ما را از بین برده است و ایران را در همه ابعاد وابسته به غرب و شرق کرده است...»^۳

مردمی بودن و خود را از مردم جدا نکردن نیز از دیگر مؤلفه‌های مورد تأکید امام است که می‌توان آن را نیز در زمره ویژگی‌های یک فرد انقلابی دانست. امام در این رابطه در دیدار با هیئت بحرینی و پاسداران می‌فرمایند:

امروز روزی است که باید حفظ کنید شما اسلام را، اسلام را باید حفظ کنید. حفظ اسلام به این است که اعمال‌تان را تعدیل کنید، با مردم رفتار

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۷۹.

۲. همان، ج ۱۸، ص ۴۷۱.

۳. همان، ج ۴، ص ۵۲۳.

انحراف در تعریف و تفسیر صحیح انقلابی و انقلابی‌گری، فارغ از جناح و جریان‌های موجود، آثار و پیامدهایی خواهد داشت که بقا و تداوم انقلاب اسلامی و گفتمان انقلابی را مورد تهدید جدی قرار خواهد داد و جامعه را به ورطه سقوط و انحطاط محتوایی و گفتمانی و سرانجام ساختاری خواهد برد

خوب بکنید، برادر باشید با مردم، مردم را این‌طور حساب نکنید. رژیم‌های سابق مردم را از خودشان جدا می‌دانستند. آنها در یک طرف بودند، مردم هم در یک طرف بودند. آنها مردم را می‌کوبیدند، مردم هم آنها را اگر می‌توانستند. امروز که مردم جدا نیستند از پاسداران اسلام، حکومت اسلام که از مردم جدا نیست... از همین مردم و از همین جمعیت است شما هم از

همین مردم‌اید، از همین جمعیت‌اید، شما کاری نکنید که مردم از شما بترسند، شما کاری نکنید که مردم به شما متوجه بشوند، کاری نکنید که مردم محبت به شما نکنند، پشتیبان شما باشند. اگر مردم پشتیبان یک حکومتی باشند، این حکومت سقوط ندارد، اگر یک ملت پشتیبان یک رژیمی باشند، آن رژیم از بین نخواهد رفت.^۱

بدیهی است تمام کسانی که به راه دیگری غیر از راه انقلاب اعتقاد داشته باشند، در جریان غیر انقلابی قرار می‌گیرند. جریان غیر انقلابی امروز طیف گسترده‌ای از نیروهای با سابقه انقلابی و ضد انقلابی را در بر می‌گیرد. اما جریان‌ها، احزاب، گروه‌ها و شخصیت‌های برخوردار از پنج شاخص اصلی انقلابی، در یک «مسیر» و روی یک «ریل» حرکت خواهند کرد. این «مسیر و ریل»، همان «ریل‌گذاری» حضرت امام خمینی (ره) برای حرکت به سمت تحقق «حاکمیت دین خدا» در کشور ایران است. حاکمیت دین خدا، یعنی تحقق عدالت اجتماعی واقعی، ریشه‌کن شدن فقر و جهل، ریشه‌کن شدن استضعاف و آسیب‌های اجتماعی، برقراری منظومه ارزش‌های اسلامی، تأمین سلامت جسمی، اخلاقی و معنوی، تأمین عزت و هویت ملی و اقتدار بین‌المللی، فعال کردن ظرفیت‌های کشور و پیشرفت واقعی که در نهایت به تمدن‌سازی اسلامی و رسیدن به حیات طیبه می‌انجامد. بنابراین جریان‌ها، اشخاص، احزاب و گروه‌های انقلابی، کسانی هستند که اصول، بایدها و نبایدهای موجود در گفتمان امام و رهبری را قبول داشته و

۱ همان‌جا، ص ۳۷۲-۳۷۱.



آنها را در اندیشه، بیان مواضع و رفتارهای خود بروز می دهند. این بایدها و نبایدهای موجود در گفتمان امام و رهبری را می توان در جدول زیر به صورت شماتیک نمایش داد:

عنوان	ردیف	بایدهای اصولی (بیان، اندیشه و عمل)	نبایدهای اصولی (بیان، اندیشه و عمل)
اصول انقلابی گری از دیدگاه رهبری	۱	اثبات اسلام ناب محمدی (ص)	نفی اسلام امریکایی
	۲	اعتماد به وعده الهی	بی اعتمادی به مستکبران
	۳	اعتقاد به اراده مردم	مخالفت با تمرکزهای دولتی
	۴	حمایت جدی از محرومان و مستضعفان	مخالفت با اشرافیت و شکاف طبقاتی
	۵	اعتقاد به استقلال ملی	رد سلطه پذیری
	۶	اعتقاد به وحدت ملی در چهارچوب گفتمان انقلاب	دوری از اختلاف و تفرقه
شاخص های انقلابی گری از دیدگاه رهبری	۱	پایبندی به مبانی و ارزش های اسلام و انقلاب اسلامی	
	۲	هدف گیری آرمان های انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آنها	
	۳	پایبندی به استقلال کشور در سه بعد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی	
	۴	حساسیت در برابر دشمن و نقشه دشمن	
	۵	تقوای دینی و تقوای سیاسی	

تبیین دورویکرد انقلابی گری

از ابتدای انقلاب اسلامی، با وجود حضور انقلابیون در مسیر انقلاب و امام (ره)، در نگرش و روش برخی انقلابیون به صحنه انقلاب در روند ایجاد، تثبیت و توسعه آن، اختلاف نظرهای مبنایی وجود داشت. اما شرایط انقلابی، حضور امام (ره) و جایگاه

اما تعریف انقلابی و انقلابی بودن چیست؟ انقلابی به شخص یا نهادی اطلاق می‌شود که ضمن حفظ و پابندی به اصول، اهداف و آرمان‌های دارای اندیشه، عمل و روحیه تحول خواهانه، پیش‌برنده و پیش‌رونده برای نیل به حیات طیبه را نیز حفظ می‌کند

هژمون‌گفتمان امام(ره) مجال ظهور و بروز آشکار و میدانی را به آنها نمی‌داد. اما این مسئله سبب دوگانه‌های مختلفی در بزنگاه‌ها شد و دوقطبی‌هایی را به نمایش گذاشت؛ به گونه‌ای که شکاف‌های سیاسی-اجتماعی و تشکیل احزاب و جناح‌های سیاسی اصلی کشور تحت تأثیر و بر مبنای این دوقطبی‌ها رقم خورد و دوگانه‌هایی چون نزاع جمهوریت در برابر اسلامیت، جدال مشروعیت و مقبولیت اقتصاد دولتی در برابر اقتصاد آزاد؛ در

طول تاریخ پس از انقلاب ریشه در این تنوع و اختلاف تفسیری و بعضاً اندیشه‌ای دارد. به همین منظور و در جهت تبیین خطوط اندیشه‌ای، مبانی نظری انقلابی‌گری را با دو رویکرد انقلابی و عمل‌گرایی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. رویکرد انقلابی‌گری (انقلاب اسلامی، مقدمه و مبنای جمهوری اسلامی)

روایت طیف نخست در مورد نسبت انقلاب و جمهوری اسلامی همچون تقدم مبنایی انقلاب اسلامی بر جمهوری است. انقلاب اسلامی ایران ایجاد شد تا حکومتی الهی و دینی فارغ از مکاتب فکری بشری روی کار آید و راه سعادت دنیوی و اخروی را به مردم نشان دهد. جمهوری اسلامی در مقابل یا منفک از انقلاب اسلامی نیست، بلکه فرزند آن و تجسم ساختاری انقلاب اسلامی است.

۲. پراگماتیسم و عمل‌گرایی (جمهوری اسلامی، پایان انقلاب اسلامی)

از منظر عمل‌گرایان، برای انقلاب اسلامی پایانی است؛ یعنی انقلاب اسلامی نقطه پایان راهی است که ما را به جمهوری اسلامی رسانده و با فرا رسیدن ۲۲ بهمن، انقلاب اسلامی به عنوان یک انقلاب به پایان رسیده و در نظام جمهوری اسلامی استقرار یافته است. در این دیدگاه، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی دو مقوله جدا از هم هستند، بنابراین از مرحله انقلاب عبور کرده‌ایم و الان دوران جمهوری اسلامی است و باید برای حفظ جمهوری اسلامی تلاش کرد.

این طیف معتقد است هر چند انقلاب اسلامی وجه هویتی بسیار مهمی برای ایرانیان دارد، اما اکنون موضوع اصلی، جمهوری اسلامی و مسائلی است که مبتلا به آن است. انقلاب، مبتنی بر شور و احساس است ولی نظام، نیازمند عقلانیت است. بنابراین دخالت دادن اقتضائات انقلاب در مسائل نظام، جز بی‌نظمی و مختل کردن جمهوری اسلامی



پنج شاخص انقلابی‌گری، انقلابی بودن و انقلابی ماندن از نگاه رهبر انقلاب: ۱. پایبندی به مبانی و ارزش‌های اساسی اسلام و انقلاب؛ ۲. هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آنها؛ ۳. پایبندی به استقلال کشور؛ ۴. حساسیت در برابر دشمن و نقشه دشمن و عدم تبعیت از آن؛ ۵. تقوای دینی و سیاسی

که اکنون متولی حل مسائل زندگی مردم شده است، نتیجه‌ای ندارد. مطابق این منظر می‌توان انقلاب اسلامی را از جمهوری اسلامی جدا کرد و با عبور از انقلاب اسلامی تنها به جمهوری اسلامی اندیشید و بقای جمهوری اسلامی را بر هر چیزی برتری داد.

نکته قابل تأمل و مخاطره‌آمیز در این دیدگاه این است که رفتار انقلابی، غیر عقلانی و حتی علیه منافع ملی است و حل مشکلات کشور عقلانیت و نظم می‌طلبد، نه احساسات و هیجانات. نظام، قانون اساسی‌ای دارد که مبنای عمل جمعی است و نمی‌تواند تحت تأثیر رفتارهای مهارنشده و غیر سیستماتیک قرار گیرد.

پس از روی کار آمدن دولت یازدهم فضای سیاسی کشور در امتداد همین دو گانه‌های مرسوم قرار گرفت. علاوه بر این، در این دوره دو گانه غیر رسمی، نانوشته و ناگفته دیگری نیز تجربه شد که وضعیت دشوار و مبهمی از نظر اندیشه و رفتار انقلاب را در پیش‌روی مخاطبان ترسیم کرد. آن وضعیت، نوعی وضعیت التقاط و در هم آمیختگی است؛ به گونه‌ای که هر دو سوی ماجرا اعلام می‌کنند دغدغه حفظ و بقای نظام جمهوری اسلامی را دارند، بر انداز و ضد انقلاب نیستند، ادعای ولایتمداری و ولایت‌پذیری، خط امامی بودن و حفظ منافع ملی و مردمی را دارند. از هر دو طیف صدای مشابهی شنیده می‌شود و مدعی‌اند که اختلافشان نه در «نظر» که در «منظر» و خاستگاه است؛ از جمله محل‌های نزاع مستور و گاه عیان در این دوره، نزاع بر سر دو گانه مفهوم انقلاب، انقلابی بودن، انقلابی‌گری، انقلاب و جمهوریت است. این نزاع گیج‌کننده اما تاریخ‌ساز، جدالی تئوریک بر سر نسبت انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی است.

از دیدگاه طیف التقاط میان مقوله انقلاب و جمهوری اسلامی تفاوت و فاصله معنایی، کارکردی و تقویمی وجود دارد. انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید و جمهوری اسلامی در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ استقرار یافت. این تفاوت تقویمی که در آن پیروزی انقلاب اسلامی مقدم بر جمهوری اسلامی است از همان آغاز، بحث نسبت انقلاب اسلامی را با جمهوری اسلامی به مسئله‌ای مهم و البته ناگفته و نانوشته مبدل کرد که مبنای دو پارادایم فکری درونی متفاوت قرار گرفت؛ دو پارادایمی که ظاهراً هر دو، طرفدار نظام جمهوری اسلامی هستند، فرزندان نظام هستند، هدفشان حفظ نظام

مصاحبه امام با خبرگزاری
رویترز در سال ۵۷ در
نوفل لوشاتو: «... شاه
استقلال سیاسی، نظامی،
فرهنگی و اقتصادی ما را از
بین برده است و ایران را در
همه ابعاد وابسته به غرب
و شرق کرده است...»

جمهوری اسلامی است و به راحتی نمی‌توان تمایز آنها را
با یکدیگر تشخیص داد مگر با ورود به دنیای فکری هر دو
طیف و شناخت دقیق اجزای این ساختار فکری. تعریف و
تحلیل این دو طیف از نسبت انقلاب اسلامی با جمهوری
اسلامی منفذ خوبی برای ورود به دنیاهای فکری و کلید
مشکل‌گشای این جدال مبهم و مهم است.

به عبارت روشن‌تر در ارتباط با انقلابی‌گری تفسیرهای
متفاوت و متناقضی در دهه اخیر رخ نموده است؛ یک

تلقی بسیار رایج درباره انقلاب، تلقی «تاریخی» از انقلابی بودن است. این تلقی را بیشتر
در صحبت‌های مرحوم آقای هاشمی رفسنجانی و آنهایی که سن بیشتری در جناح
موسوم به اصلاحات دارند می‌بینیم؛ آنها غالباً از چنین تلقی‌ای درباره انقلاب استفاده
می‌کنند. طرفداران مفهوم تاریخی از انقلابی بودن می‌گویند: «صرفاً آنهایی انقلابی
هستند که از خرداد سال ۴۲ وارد پروسه انقلاب شده‌اند و در پیروزی انقلاب مشارکت
داشتند، زندان رفتند، شکنجه شدند و فعالیت کردند تا انقلاب پیروز شود.» در حالی
که تعریف تاریخی از مفهوم انقلابی بودن، مدنظر مقام معظم رهبری نیست؛ چرا که
خطاب ایشان در غالب مواقع به نسلی است که در زمان پیروزی انقلاب شاید حتی به
دنیا هم نیامده بودند. از منظر مقام معظم رهبری و امام(ره)، هر فردی اعم از جوان یا
نوجوان می‌تواند انقلابی باشد در حالی که با مفهوم تاریخی، فقط پیرمردان بالای ۶۰
سال می‌توانند انقلابی باشند که آنها نیز به تدریج می‌روند و بدین‌گونه دفتر انقلابی بودن
بسته می‌شود. بنابراین یک تفاوت جدی میان ارایه مفهوم زنده، متحرک و دینامیک از
انقلابی بودن با مفهوم هیستوریک (تاریخی) که آرام آرام مندرس می‌شود وجود دارد
و به همین دلیل معنای مدنظر رهبر معظم انقلاب از انقلابی بودن، مفهوم تاریخی آن
نمی‌تواند باشد.

تلقی‌های دیگر از مفهوم انقلابی بودن در اظهارات مقامات شاخص سیاسی کشور،
از جمله حجت‌الاسلام حسن روحانی، رئیس‌جمهور دیده می‌شود که با «تندروی» و
«پرخاشگری» و «شعار دادن صرف» همسان پنداشته شده است. در حالی که طبیعتاً
هیچ کس نمی‌تواند مردم را به تندخویی و شعار دادن بی‌جهت توصیه کند و این هم
نمی‌تواند مفهوم انقلابی بودن از نظر مقام معظم رهبری باشد.





انقلابی بودن شامل افرادی می‌شود که در یک محدودیت زمانی و در یک پروسه مشخص بین سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ با چهره‌های معین هستند که با مرگ آنها دفتر انقلاب بسته خواهد شد.	هیستوریک (تاریخی)	انقلابی‌گری به عنوان یک پدیده ایستا و میرا
این دیدگاه، «انقلابی بودن» را با «تندروی» و «پر خاشگری» و «شعار دادن صرف» یکی می‌داند.	افراطی‌گری	انقلابی‌گری به عنوان یک خصلت پویا
انقلاب در ایران حادثه بزرگی بود، و از این حادثه دو جریان اجتماعی و تجربه بزرگ متولد شد که در حال تحول هستند، با محیط اجتماعی تعامل پیدامی‌کنند و مرتباً از داخل آنها پدیده‌های دیگری می‌جوشد.	دینامیک و تحول‌گرا	

انقلابی بودن از منظر امام و رهبری در همه شئون وارد می‌شود و نحوه رفتار را عوض می‌کند. انقلابی بودن در این منظومه فکری، زمانمند نبوده، کهنه و مندرس نمی‌شود و تنها مربوط به یک دوره زمانی ما بین خرداد ۴۲ تا بهمن ۵۷ نیست. بلکه نسل به نسل نو می‌شود و ممکن است افرادی در این میان انقلابی باشند و بعد از مدتی از دایره تعریف آن خارج شوند. در واقع، انقلابی بودن «ژنتیکی» نیست، بلکه یک وضعیت «اکتسابی» است.

نکته‌ای که مقام معظم رهبری در طرح بحث «نفوذ» بر روی آن تأکید دارند، این است که از جهات نفوذ، «تغییر جهت در انقلابی بودن» است. به عبارت دیگر، زمانی دشمن در پروژه نفوذ به داخل برای تغییر باورها و ساختارها موفق می‌شود که قبل از آن از جهت فکری افراد و ساختارها انقلابی‌زدایی کرده، روحیه غیر انقلابی حاکم نماید. از جمله اشتباهاتی که نفوذگران بر روی آن سرمایه‌گذاری می‌کنند، اشتباه راهبردی در فهم نسل جوانی است که با توجه به مفهوم تاریخی از انقلابی بودن، توان درک دگرذیسی در افکار برخی انقلابیون منفعل و پشیمان از گذشته را ندارند و در پاسخ به این سؤال که آیا افرادی که به تعبیر تاریخی آن، دیروز انقلابی بوده‌اند، امروز هم انقلابی هستند یا خیر؟ از این منظر، به بیان نویسنده کتاب *مقولاتی در استراتژی ملی*^۱، «زنده کردن بحث انقلابی بودن، اتفاقاً برای نسل امروز ضروری است، چون دشمن بر روی آن کار می‌کند.» بر اساس این رویکرد، و به زعم نویسنده کتاب، انقلابی بودن «ژنتیکی» نیست، بلکه یک وضعیت «اکتسابی» است؛ در پرتو این رهیافت نیز مقام معظم رهبری یکی از

۱. محمد جواد لاریجانی، *مقولاتی در استراتژی ملی*، مرکز ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۹.

جهات نفوذ، را «تغییر جهت در انقلابی بودن» مطرح می‌کند که دلایل مختلفی دارد. عده‌ای مسیرشان را عوض می‌کنند، منتهی نسل جوان نباید یک مفهوم تاریخی از انقلابی بودن بگیرند و بعد ببینند که آیا افرادی که به تعبیر تاریخی آن، انقلابی بودند امروز هم انقلابی هستند یا خیر؟ و این را معیار زنده یا غیر زنده بودن انقلاب عنوان کنند. این یک اشتباه در فهم است. نفوذ بر روی این موضوعات کار می‌کند. چنانکه در ظاهر آشکار است، هر دو طیف مزبور داعیه اسلام، جمهوری اسلامی و رهبری دارند و خود را دلسوز و علمدار و حتی منجی نظام از خطرات و تهدیدات می‌دانند، اما در پس پرده سرشار از

تناقضات و تعارضات فکری و رفتاری هستند. در فضای سیاسی و رسانه‌ای کشور طیف نخست با تعبیری چون انقلابی و آرمان‌گرا خوانده می‌شود و طیف دوم نیز در مقابل تلاش می‌کند خود را با توصیفات «چون واقع‌گرا و عمل‌گرا (پراگماتیک)، مسلمانان میانه‌رو در مقابل مسلمانان افراطی و تندرو مطرح و معرفی کند.

عمل‌گرایان طیفی از انقلابیون منفعت‌گرای سیاسی هستند که در هر دو جناح کشور حضور دارند و همواره میانه‌عافیت را برمی‌گزینند. آنها انقلابیون پشیمانی هستند که با حفظ صورت انقلاب، تغییر سیرت را جبر تاریخی می‌دانند و آرمان‌گرایی را رفتاری از سر احساسات و هیجان تعبیر می‌کنند؛ کسانی که انقلاب اسلامی را تمام شده و بدیهی می‌دانند، نتیجه نظر آنها محدود کردن انقلاب در چهارچوب جمهوری اسلامی و مرزهای آن است. انعکاس عمل‌گرایی در سیاست داخلی، همراه شدن با ذائقه صاحبان رأی (اکثریت توده‌های مردمی به خصوص در شهرهای بزرگ) در مسائل مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است. در فلسفه پراگماتیسم، حقیقت (ایدئولوژی، مکتب، آرمان‌ها) فاقد اصالت زمانمند بوده، تابع اصالت سود و سرمایه‌سالاری است. تفاوت و تمایز دو جریان و طیف فکری در منازعات درونی نظام به شرح جدول زیر قابل دسته‌بندی است.

از منظر مقام معظم رهبری و امام (ره)، هر فردی اعم از جوان یا نوجوان می‌تواند انقلابی باشد در حالی که با مفهوم تاریخی، فقط پیرمردان بالای ۶۰ سال می‌توانند انقلابی باشند که آنها نیز به تدریج می‌روند و بدین‌گونه دفتر انقلابی بودن بسته می‌شود. مفهوم زنده، متحرک و دینامیک از انقلابی بودن با مفهوم هیستوریک (تاریخی) که آرام آرام مندرس می‌شود وجود دارد



جدول مقایسه رویکردهای عمل‌گرایی و انقلابی‌گری^۱

مفهوم	اندیشه عمل‌گرایی و روحیه تکنوکراتیک	اندیشه انقلابی و روحیه انقلابی‌گری
نگاه به انقلاب	تفکیک انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی	یگانگی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی
	پایان دوران انقلاب و آغاز دوره جمهوریت	در امتداد هم بودن انقلاب و جمهوری اسلامی، انقلاب اسلامی را حرکتی ذاتی و در حال شدن تفسیر می‌کند.
رهیافت	واقع‌گرایی منفعت‌محور و حذف آرمان‌گرایی	واقع‌بینی، آرمان‌گرایی و ارزش‌محوری
مدیریت	مدیریت تکنوکراتیک	مدیریت جهادی
گفتمان	عقلانیت ابزاری و سرمایه‌داری	عقلانیت اسلامی
	تفکر لیبرالیستی و دیپلماتیک	تفکر انقلاب و بسیجی
رویکرد خارجی	تعامل، سازش و همزیستی با همه	تعامل و مقاومت، تقابل با سلطه و استکبار و تعامل با تحت سلطه
نظام بین‌الملل	نظام وابستگی متقابل و نفی نظام سلطه	نفی نظام سلطه
استقلال	استقلال مفهوم خودش را از دست داده است	اعتقاد به استقلال همه‌جانبه
اقتصاد	تقدم توسعه بر عدالت اجتماعی	تقدم عدالت اجتماعی بر توسعه
استراتژی	برون‌گرایی و نگاه به بیرون	درون‌گرایی، درون‌زایی و برون‌نگری
فرهنگ و ارزش	اهمیت درجه دو	اهمیت درجه یک
پیماد و آثار	هویت‌زدایی از انقلاب، عقیم ماندن اهداف	تداوم، تقویت، توسعه هویت انقلاب و تداوم روند تکاملی آن



1. www.hadinevs.ir (گاهنامه سخن هادی)

رهبر انقلاب به کرات در بیانات شفاف و صریح خود، تمایز این دو پارادایم اصلی و نسبت خود با این دو منظر متعارض را ابراز کرده‌اند. جمله معروف «من دیپلمات نیستم، من یک انقلابی‌ام»^۱ به خوبی تعلق خاطر ایشان را به پارادایم انقلابی‌گری و روگردانی از پارادایم عمل‌گرایی صرف نشان می‌دهد. ایشان همه مشکل غرب با ایران را بر سر انقلاب و آرمان‌های اسلامی می‌داند و البته انقلاب را هم مایه و پایه پیشرفت ایران می‌دانند: همین هم هست که دشمنان ما را عصبانی می‌کند. همین است که امروز - اگر با خبرهای خارجی آشنا باشید - مکرر می‌شنوید که گفته می‌شود تا وقتی ایران دنبال انقلاب است، کار ما با ایران مشکل است. راست می‌گویند و من اضافه می‌کنم تا وقتی این تفکر انقلابی و حرکت انقلابی هست به توفیق الهی پیشرفت ایران، نفوذ روزافزون ایران، هیمنه و تسلط معنوی و روحی ایران در منطقه و فراتر از منطقه روزبه‌روز ان شاء الله بیشتر خواهد شد.^۲

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی در منظومه فکری امام(ره) و رهبری، پدیده‌ای الهی با مبانی و بن‌مایه دینی و اسلامی است که در مرتبه راهبردها، رویکردها و عملکردها از اصول، اهداف، روش و ساز و کارهای معین و مشخصی پیروی می‌کند. مفاهیم و کلیدواژه‌های عدالت، معنویت، عدالت‌خواهی، آرمان‌گرایی، منطوق و عقلانیت دین از جمله مفاهیم کلیدی و کاربردی مشترک در اندیشه امام و رهبری است که هویت انقلابی‌گری را از منظر ایشان هویتی پایدار، پویا و همیشه همراه انقلابیون تعریف کرده‌اند.

نکته حائز توجه در این نظام این است که خصلت انقلابی‌گری به پدیده انقلاب، تحرک و پویایی می‌بخشد و از رکود و رخوت احتمالی که سبب ایستایی و روزمرگی انقلابی می‌شود، جلوگیری می‌کند. به عبارتی از این منظر حیات و ممات انقلاب به وجود و حضور روحیه انقلابی و خصلت انقلابی‌گری بستگی دارد.

انقلابی‌گری در عرصه‌های مختلف بر شاخص‌های معینی اتکال دارد که فقدان آنها می‌تواند زمینه آسیب‌های جدی برای انقلاب را فراهم آورد و حفظ و تقویت روحیه انقلابی و خصلت انقلابی‌گری به عنوان جوهره انقلابی و اسلامی ضامن بقا و نیل به

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۱۱/۲۵.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با نخبگان، ۱۳۹۴/۷/۲۱ و ۱۳۹۴/۷/۲۲.



وضعیت مطلوب ممکن و دستیابی به حلقه پایانی فرآیند تکاملی انقلابی اسلامی، یعنی تمدن اسلامی است.

تحقق اهداف و مقاصد ترسیمی در گفتمان امام و رهبری در گرو توجه، توسل، تمکین نظری و عملی در برابر شاخص‌های معینی است که اهم این شاخص‌ها عبارت‌اند از:

۱. ایستادگی و ثبات در اصول انقلاب و پاسداری از ارزش‌های انقلاب؛
۲. پایبندی به رفتار و گفتار امام(ره) و ایستادگی در برابر تحریف خط امام(ره)؛
۳. پاک‌دستی و ساده‌زیستی و اجتناب از اشرافی‌گری در بین مسئولان؛
۴. تدین و پایبندی به تکلیف شرعی؛
۵. خدمت‌جهادی خالصانه و بدون منت؛
۶. عدالت‌خواهی، آزادگی و دفاع از مظلومان عالم؛
۷. استکبارستیزی و ایستادگی قاطع در مقابل کفر، نفاق و طمع‌ورزی و سلطه بیگانگان؛
۸. مرزبندی شفاف با دشمنان دین و انقلاب؛
۹. دفاع منطقی و معقول از حقوق ملی؛
۱۰. اعتماد به مردم، صداقت و وفاداری؛
۱۱. شجاعت و صراحت انقلابی، بیان اندیشه انقلابی، اقدام انقلابی و دیپلماسی انقلابی؛
۱۲. برخورداری از سلامت اخلاقی و تهذیب در مرتبه اندیشه‌ورزی، سخنوری و رفتار؛
۱۳. مبارزه واقعی با فقر، فساد و تبعیض در مرتبه اندیشه، گفتار و عمل انقلابی و قاطعانه.